

## گروه فعلی شکافته در فارسی: تمایز هسته جهت و فعل کوچک<sup>۱</sup>

مزدک انوشه<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

گوهر شریفی<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران

### چکیده

در بیش از دو دهه گذشته، این فرضیه که گروه فعلی متشکل از دو فرافکن گروه فعلی کوچک یا گروه جهت و گروه فعل واژگانی است، فرضیه پذیرفته شده‌ای در میان زبان‌شناسان چامسکیایی محسوب می‌شود؛ اما پژوهش‌های اخیر درباره ساختار گروه فعلی، براساس فرضیه گروه فعل کوچک شکافته، هسته جهت را متفاوت از هسته فعل کوچک و گروه فعلی را متشکل از سه فرافکن می‌دانند که عبارت‌اند از: گروه فعلی کوچک، گروه جهت و گروه فعل واژگانی. در این تحلیل، فعل کوچک، فعل‌ساز است و نوع رویداد را نشان می‌دهد. جهت، موضوع بیرونی را معرفی می‌کند و هسته گروه فعل واژگانی، ریشه‌ای بی‌مقوله است. تعامل تکواژ سببی و فعل سبک در ساخت‌های سببی مرکب و حضور موضوع بیرونی در ساخت‌های دارای فعل سبک، نمونه مواردی هستند که طرح دولاپه‌ای گروه فعلی را در زبان فارسی به چالش می‌کشند. پژوهش حاضر با ارائه شواهدی از ساخت‌های سببی در زبان فارسی نشان می‌دهد که گروه فعلی، سه‌لاپه‌ای بوده و هسته جهت و فعل کوچک به‌طور مستقل و متفاوت از یکدیگر در گروه فعلی ایفای نقش می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** گروه فعل کوچک شکافته، فعل کوچک، جهت، موضوع بیرونی، ساخت سببی.

## ۱- مقدمه

فرضیه گروه فعلی پوسته‌ای<sup>۴</sup>، گروه فعلی را به‌مثابه اصطلاحی پوششی قلمداد کرد که می‌توانست دو ساختار را دربر گیرد: یکی فرافکن نقشی، یعنی گروه فعلی کوچک که موضوع بیرونی را در شاخص خود معرفی می‌کند و دیگری گروه فعل واژگانی یا گروه ریشه که موضوع‌های درونی را معرفی می‌کند. براساس این، فعل کوچک دارای سه ویژگی است: الف. معرف گذرابی است، یعنی مجوز حضور موضوع بیرونی را می‌دهد و حالت مفعولی را بازبینی می‌کند؛ ب. هسته فعل ساز است و ج. می‌تواند دارای چاشنی‌های<sup>۵</sup> متفاوتی باشد. در چارچوب همین نظریه گروه فعلی پوسته‌ای، پژوهش‌گرانی مانند کرتزر<sup>۶</sup> (۱۹۹۶) موضوع بیرونی را موضوع فعل نمی‌دانند؛ بلکه هسته جهت<sup>۷</sup> را مسئول معرفی موضوع بیرونی می‌دانند. از این منظر، گروه فعلی شامل گروه فعل واژگانی و گروه جهت است؛ اما پژوهش‌های اخیر درباره ساختار گروه فعلی در ساخت‌های سببی<sup>۸</sup> و الحاقی<sup>۹</sup> و تعامل این دو وند در برخی زبان‌ها، از جمله هیاکي<sup>۱۰</sup> با بهره‌گیری از فرضیه گروه فعل کوچک شکافته<sup>۱۱</sup>، برخی از پژوهش‌گران (پیلکانن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۸؛ هارلی<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۳) را به این نتیجه سوق داده است که گروه فعلی، گروهی سه‌لایه‌ای بوده که در آن، گروه جهت، گروه فعلی کوچک و گروه فعل واژگانی حضور دارند.

فعل‌های سبک<sup>۱۴</sup> فارسی به‌منزله نمونه‌هایی از فعل کوچک در نظر گرفته شده‌اند که با ایجاد تناوب‌های فعلی، می‌توانند بیان گر کنش‌گری در گروه فعلی باشند؛ اما مطالعه دقیق‌تر فعل‌های مرکب فارسی نشان می‌دهد که گاهی فعل سبک قادر به ایفای تمام نقش‌های فعل کوچک نیست؛ برای مثال، دو فعل سبک کردن و شدن به‌مثابه دو فعل کوچکی در نظر گرفته شده‌اند که تناوب‌های فعلی را به‌دنبال دارند، اما در افعالی مانند فوت‌شدن/ فوت‌کردن، تغییر این دو فعل سبک، تغییری در تعداد و نوع موضوع فعل ایجاد نمی‌کند. از این رو، به‌نظر می‌رسد که فعل سبک در جایگاه فعل کوچک، همیشه قادر به معرفی موضوع نیست؛ از طرفی، افعال سبک گرچه گاهی می‌توانند تناوب طبقات فعلی را ایجاد

4. VP Shell

5. flavors

6. A. Kratzer

7. voice

8. causative

9. applicative

10. Hiaki

11. split-vP hypothesis

12. L. Pykkänen

13. H. Harley

14. light verbs

کنند، اما نسبت دادن موضوع بیرونی به فعل سبک، اساساً با ماهیت فعل سبک منافات دارد؛ چراکه فعل سبک فاقد ساخت موضوعی است. افزون بر این، تحلیل دولایه‌ای گروه فعلی قادر به تبیین تعامل هسته سببی‌ساز و فعل سبک در ساخت‌های سببی مرکب فارسی نیست. در افعال سببی مرکب، وند سببی، فعل کوچکی است که موضوع سبب‌ساز را معرفی می‌کند؛ از سوی دیگر، فعل سبک نیز، عنصری فعل‌ساز به شمار می‌رود.

اگر فعل سبک نوع رویداد و تعداد و نوع موضوع‌های فعل را تعیین می‌کند و در جایگاه فعل کوچک قرار دارد، پس جایگاه عنصر سببی‌ساز در گروه فعلی کجاست؟ بنابراین، هم‌زمان با دو مشکل روبه‌رو هستیم: اول اینکه در ساختار فعلی افزون بر فعل کوچک، به جایگاه نقشی دیگری نیازمندیم تا بتواند حضور دو تکواژ نقشی سببی و فعل سبک را در افعال سببی مرکب تبیین کند. دوم اینکه، باید هسته‌ای را در نظر بگیریم که قادر به بازنمایی نحوی موضوع بیرونی باشد. فرضیه گروه فعل کوچک شکافته می‌تواند راه حل این مشکل باشد. براساس این، گروه فعلی کوچک، خود، به دو زیرگروه، یعنی گروه فعلی کوچک و گروه جهت قابل تجزیه است. بدین ترتیب، نقش دوگانه‌ای که فعل کوچک در طرح دولایه‌ای گروه فعلی بر عهده داشت، اکنون توسط دو هسته مجزا، یعنی فعل کوچک و جهت ایفا می‌شود.

در این پژوهش، پس از مروری بر مطالعات انجام‌شده درباره ساختار گروه فعلی و معرفی فرضیه گروه فعل کوچک شکافته، به شواهدی از ساخت‌های سببی در فارسی پرداخته می‌شود که این فرضیه را تقویت می‌کند. نتایج حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد که در فارسی، هسته جهت به‌مثابه هسته‌ای متفاوت از فعل کوچک، موضوع بیرونی را وارد ساخت فعلی می‌کند؛ از سوی دیگر، فعل کوچک تنها فعل‌ساز بوده و نوع رویداد را مشخص می‌کند.

پژوهش حاضر در پی آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

- ۱- موضوع بیرونی فعل در زبان فارسی توسط کدام هسته معرفی می‌شود؟
- ۲- هسته سببی‌ساز در ساخت‌های سببی فارسی در کدام جایگاه قرار دارد؟
- ۳- فعل سبک کدام جایگاه را در گروه فعلی به خود اختصاص می‌دهد؟

## ۲- گروه فعلی لایه‌ای

در سنت زایشی، گروه فعلی ساختاری مسطح نیست، بلکه دارای ساختار سلسله‌مراتبی است و هسته فعل واژگانی را به‌منزله مهم‌ترین عنصر دربر دارد. در رویکرد بیکر<sup>۱۵</sup> (۱۹۸۸) اساس ساختواژه پیوندی،

حرکت هسته<sup>۱۶</sup> است که نمونه آن را می‌توان در حرکت فعل واژگانی به فعل کوچک یافت. در رویکرد هیل و کیسر<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۲) هر فعل روساختی، مانند ساخت فعل سبک رفتار می‌کند؛ یعنی شامل فعل انتزاعی do یا give در جایگاه فعل کوچک است و در نتیجه ارتقای هسته به هسته و انضمام<sup>۱۸</sup> فعل انتزاعی به عنصر غیر فعلی، فعل روساختی شکل می‌گیرد. چامسکی<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۵) نیز محمول‌های فعلی را متشکل از یک لایه نقشی فعل کوچک و یک لایه واژگانی می‌داند. در سنت زایشی، فعل کوچک هم فعل‌ساز است و هم موضوع بیرونی را معرفی می‌کند.

پس از طرح مفهوم فعل سبک/انتزاعی، بسیاری از پژوهش‌گران کوشیدند تا نمونه‌هایی از این نوع فعل را در زبان‌های مختلف بیابند. یکی از شواهدی که این فرضیه را تقویت کرد، وجود فعل مرکب در برخی از زبان‌ها بود. به اعتقاد هارلی (۲۰۰۹) در زبان فارسی عنصری که در جایگاه فعل کوچک قرار دارد و محمولی که آن را انتخاب می‌کند، از نظر ساختوازی به هم وابسته نیستند، بلکه هسته فعل کوچک مستقل از متمم خود است. این پدیده، محمول مرکب<sup>۲۰</sup> نام دارد. به گفته کریمی‌دوستان (۲۰۰۵) فعل سبک فاقد ساخت موضوعی بوده، اما میزبان مشخصه‌های فعلی و قادر به حالت‌بخشی ساختاری است و در ترکیب با هسته زمان، به مثابه عنصری حالت‌بخش عمل می‌کند.

آهنگر (۱۳۸۷) در تحلیل گزاره‌های سببی یادآور می‌شود که گروه حرف تعریف فاعلی در جایگاه زیرساختی، شاخص گروه فعلی کوچک واقع می‌شود و نقش معنایی سبب‌ساز<sup>۲۱</sup> را دریافت می‌کند؛ از سوی دیگر، گروه حرف تعریف مفعولی در جایگاه شاخص گروه فعل واژگانی بوده و نقش معنایی سبب‌پذیر<sup>۲۲</sup> را از فعل واژگانی دریافت می‌کند. واحدی لنگرودی (۱۹۹۶) فعل‌های سبکی همچون شدن و کردن را نمونه‌هایی از فعل کوچک می‌داند. مگردومیان<sup>۲۳</sup> (۲۰۰۱) نیز معتقد است کردن، فعل کوچک بیرونی است که موضوع بیرونی را معرفی می‌کند و شدن فعل کوچک درونی است و موضوع درونی را به ساخت فعلی می‌افزاید.

فولی<sup>۲۴</sup> و هارلی (۲۰۰۵) در فرضیه‌ای با عنوان چاشنی‌های فعل کوچک<sup>۲۵</sup>، تفاوت بسیاری از

16. head movement

17. K. Hale & S. J. Kaser

18. incorporation

19. N. Chomsky

20. complex predicate

21. causer

22. causee

23. K. Megerdooian

24. R. Folli

25. flavors of v

ساخت‌های فعلی را به دلیل وجود همین چاشنی‌های متفاوت فعل کوچک می‌دانند. فعل کوچک با چاشنی انجام‌دادن (VDO) و فعل کوچک با چاشنی سبب‌شدن (VCAUSE) دو فعل سبکی هستند که محدودیت‌هایی را بر فاعل و متمم خود وارد می‌کنند. فولی و دیگران (۲۰۰۵) تناوب فعل‌های آغازی و سببی در فارسی را نتیجه تغییر فعل سبک از شدن به کردن می‌دانند. به گفته وود و مرتنز<sup>۲۶</sup> (۲۰۱۵) این تناوب نتیجه اعمال تعمیم بورزیو<sup>۲۷</sup> است: معرفی موضوع بیرونی و گذرایی به VDO نسبت داده می‌شود، اما VBECOME قادر به معرفی گذرایی و موضوع بیرونی نیست.

از سوی دیگر، کرتزر (۱۹۹۶) معتقد است که موضوع بیرونی، موضوع فعل نیست، بلکه توسط هسته مجزای جهت معرفی می‌شود. به پیشنهاد وی، هسته جهت در ترکیب با محمول‌های عملکردی<sup>۲۸</sup>، موضوع کنش‌گر یا سبب ساز را وارد ساخت می‌کند و در ترکیب با محمول‌های ایستایی<sup>۲۹</sup>، موضوع بهره‌ور یا مالک را به ساخت می‌افزاید. به اعتقاد وی، موضوع بیرونی، هم از نظر معنایی و هم از نظر نحوی، مستقل از گروه فعل واژگانی است. از نظر نحوی، فعل کوچک می‌تواند ریشه بی‌مقوله را به فعل تبدیل کند، اما قادر به معرفی گروه‌های اسمی و موضوع‌ها نیست. از نظر معنایی نیز، فعل کوچک می‌تواند منبعی برای روندهای تعبیری باشد، اما تعبیر تنائی گروه‌های اسمی را نمی‌توان به آن نسبت داد.

### ۳- فرضیه گروه فعل کوچک شکافته: تمایز فعل کوچک و جهت

در راستای فرضیه گروه فعلی لایه‌ای، هارلی (۲۰۱۳) با قائل شدن به فرضیه گروه فعل کوچک شکافته، گروه فعلی را گروهی سه‌لایه‌ای می‌داند که افزون بر گروه فعل واژگانی و گروه فعلی کوچک، گروه جهت را نیز دربر می‌گیرد. به اعتقاد هارلی، در زبان هیاکی هسته فعل کوچک جایگاه مناسبی برای معرفی موضوع بیرونی نیست. تفاوتی که این رویکرد با رویکرد دولایه‌ای دارد، این است که در تحلیل دولایه‌ای، فعل کوچک نقش دوگانه‌ای داشت، یعنی هم موضوع بیرونی را معرفی کرده و حالت مفعولی را بازبینی می‌کرد و هم هسته فعل سازی بود که ریشه بی‌مقوله را به فعل تبدیل می‌کرد. این درحالی است که در تحلیل سه‌لایه‌ای، این دو نقش توسط دو هسته مجزا، یعنی هسته جهت و هسته فعل کوچک ایفا می‌شود. در این تحلیل، فعل کوچک فقط فعل ساز است و قادر است متمم خود را به فعل تبدیل کند؛ از سوی دیگر، مسئولیت معرفی موضوع بیرونی، به هسته جهت سپرده می‌شود.

26. J. Wood & A. Marantz

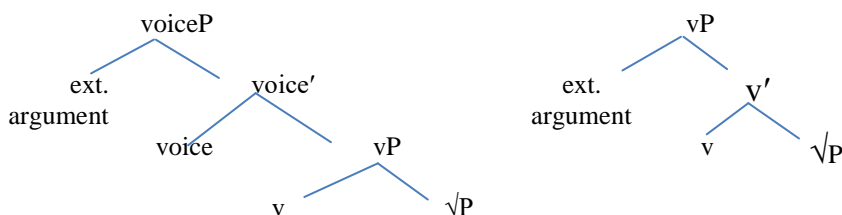
27. Burzio's generalization

28. action predicates

29. stative predicates

این دو تحلیل در دو نمودار زیر نشان داده شده است:

(۱)



از جمله شواهدی که هارلی برای اثبات ادعای خود به آن استناد می‌کند، تعامل ساخت سببی و الحاقی است. هر دو ساخت، موضوع جدیدی را وارد ساخت فعلی می‌کنند، با این تفاوت که این موضوع جدید در ساخت سببی، سبب‌ساز است و در ساخت الحاقی بهره‌ور. هیاکي نمونه زبانی است که دارای ساخت‌های زبانی الحاقی است. از منظر هارلی (۲۰۱۳: ۳۹) این تکواژ نقشی دارای این ویژگی‌هاست؛ الف. به صورت وند فعلی تظاهر می‌یابد؛ ب. یک موضوع درونی را به جمله می‌افزاید؛ پ. نقش معنایی موضوع الحاقی عموماً بهره‌ور است؛ ت. حالت موضوع الحاقی به صورت مفعول مستقیم یا غیر مستقیم است. این ویژگی‌ها به روشنی در زبان هیاکي مشاهده می‌شوند؛ برای مثال، جمله‌های امری زیر را در نظر می‌گیریم. جمله (۲ a) حاوی یک فعل گذراست و فاعل دوّم‌شخص که از ساخت امری درک می‌شود، تظاهر آوایی ندارد. جمله (۲ b) هم شامل همان فعل گذراست، اما یک وند الحاقی به فعل افزوده شده و در پی آن، یک موضوع جدید وارد ساختار نحوی شده است. این موضوع الحاقی با نقش معنایی بهره‌ور و حالت دستوری مفعولی تظاهر یافته است.

- 2) a. Voocha-m            woita!  
       shoe-pl            untie  
       Untie the shoes!
- b. Usi-ta            voocha-m            woita-ria!  
       Child-acc        shoe-pl            untie-appl  
       Untie the shoes for the child!

در جمله (۲ b)، تکواژ *ria-* وند الحاقی است که با اتصال به فعل، سبب شده است که *usi-ta* (بچه را) به منزله موضوع درونی به ساختار جمله افزوده شود. در ساخت الحاقی، بهره‌ور دارای حالت مفعولی بوده و از نظر ساختاری، تحت فرمانش سازه‌ای موضوع بیرونی و بالاتر از موضوع‌های درونی قرار دارد. هنگامی که وند الحاقی به جمله سببی افزوده می‌شود، موضوع جدید (بهره‌ور) باید پایین‌تر از سبب‌ساز و بالاتر از سبب‌پذیر قرار گیرد. در عمل می‌بینیم که بهره‌ور، پس از سبب‌ساز و پیش از سبب‌پذیر قرار

می‌گیرد، اما تکواژ الحاقی پس از تکواژ سببی می‌آید. وی نتیجه می‌گیرد که سبب‌ساز در شاخص فرافکن سببی معرفی نمی‌شود، بلکه در شاخص فرافکن مجزای جهت وارد ساخت فعلی می‌شود. شاهد دیگری که هارلی (۲۰۱۷) به آن استناد می‌کند تا نشان دهد که موضوع بیرونی سبب‌ساز در شاخص تکواژ سببی معرفی نمی‌شود، مربوط به ساخت سببی مجهول است. از آنجا که این شاهد در داده‌های فارسی نیز به چشم می‌خورد، در بخش تحلیل داده‌ها به آن پرداخته می‌شود.

افزون بر این، هارلی (۲۰۱۷: ۴) به پیروی از پیلکانن (۲۰۰۸) ضمن معرفی پارامتر جهت‌کلاف<sup>۳۰</sup>، زبان‌ها را از منظر بود و نبود فرافکن مورد نظر، به دو گروه تقسیم می‌کند. در زبان‌های جهت‌کلاف<sup>۳۱</sup>، گروه جهت و گروه فعل کوچک در یک فرافکن واحد تجمیع می‌شوند و یک کلاف واحد که می‌توانیم آن را هسته فعل کوچک یا هسته جهت بخوانیم، عملکرد هر دو هسته را بر عهده می‌گیرد. وی با ارائه شواهدی از فارسی و با تکیه بر یافته‌های فولی و دیگران (۲۰۰۵) تصریح می‌کند که فارسی را باید در شمار زبان‌های جهت‌کلاف قرار داد. وی در مقابل، برخی دیگر از زبان‌ها، از جمله هیاک، را در زمره زبان‌های جهت‌شکاف<sup>۳۲</sup> قرار می‌دهد و معتقد است که در این زبان‌ها، گروه جهت و گروه فعلی کوچک به‌طور مستقل حضور دارند و هر یک نقش دستوری خود را ایفا می‌کنند. تحلیل ساخت‌های سببی مرکب فارسی نشان می‌دهد که برخلاف نظر هارلی، در فارسی دو هسته جهت و فعل کوچک به‌طور مستقل و متفاوت از یکدیگر حضور دارند و از این رو، فارسی زبانی جهت‌شکاف است.

### ۳- تحلیل داده‌ها

با توجه به ویژگی‌هایی که برای ساخت الحاقی ذکر شد، به نظر می‌رسد که فارسی فاقد این ساخت است. با بررسی جفت‌جمله‌های زیر، می‌بینیم که با ظهوروند *-ان* و الصاق آن به فعل بسیط، پرستار در نقش موضوع بیرونی به ساختار نحوی افزوده می‌شود و بچه که پیش‌تر فاعل جمله بوده است، در جایگاه مفعول مستقیم یا مفعول غیر مستقیم نمود می‌یابد:

۳) الف. بچه خوابید.

ب. پرستار بچه را خواباند.

۴) الف. بچه دارو را خورد.

ب. پرستار دارو را به بچه خورداند.

30. voice-bundling parameter

31. voice-bundling languages

32. voice-splitting languages

گاهی سبب‌ساز حتی می‌تواند فاقد نمود آوایی باشد، مانند

پ. دارو را به بچه خوراند.

این دسته از ساخت‌ها، ساخت‌های سببی به شمار می‌روند. ساخت‌های زبانی سببی در زبان فارسی، از رهگذر افزودن *ند* سببی *ن/ان* به ریشه فعلی، موضوع بیرونی یعنی سبب‌ساز را وارد ساختار موضوعی گروه فعلی می‌کنند. در تحلیل دولایه‌ای گروه فعلی، گروه فعل کوچک سببی، هم موضوع جدیدی را به‌مثابه سبب‌ساز به ساخت می‌افزاید و هم *ند* سببی را. در نتیجه، موضوع بیرونی که قبلاً وجود داشته، جایگاه بالاترین موضوع درونی را پر می‌کند و از این فعل کوچک جدید، حالت مفعولی می‌گیرد.

از آنجا که این هسته سببی است که سبب‌ساز را به‌لحاظ معنایی انتخاب می‌کند، این موضوع در جایگاه شاخص گروه فعل کوچک سببی، وارد ساخت می‌شود. در نتیجه، سبب‌ساز جایگاه فاعل جدید جمله را دریافت کرده و به شاخص گروه زمان ارتقا می‌یابد. در عوض، موضوع بیرونی پیشین، حالت مفعولی خود را در مقابل نزدیک‌ترین هسته حالت‌بخش بازبینی می‌کند، همانند آنچه در ساخت‌های حالت‌بخشی استثنائی دیده می‌شود. در نظر گرفتن *ند* سببی به‌مثابه فعل کوچک هم تبیین معنایی دارد و هم تبیین صرفی. به گفته هارلی (۲۰۱۷) از نظر معنایی، *ند* سببی، معنایی همچون *سبب‌شدن* را داراست. در محمول‌های تغییر حالت، مانند *John opened the door* چیزی شبیه به مفهوم *سبب‌شدن*، در درون محمول وجود دارد. از نظر صرفی نیز، چنان‌که در بسیاری از زبان‌ها دیده می‌شود، فعل کوچکی که موضوع بیرونی را معرفی می‌کند، به‌صورت *ندی* زایا در واژه‌ها حضور دارد؛ اما در ساخت‌های سببی مرکب، تحلیل دولایه‌ای گروه فعلی ناکارآمد می‌نماید. در سنت زایشی، هسته سبب حکم فعل سبکی را دارد که یک رویداد را به‌مثابه متمم انتخاب می‌کند؛ از سوی دیگر، همان‌گونه که در تحلیل‌های گروه فعلی پوسته‌ای دیده شد، فعل سبک نیز، پیش‌تر، در جایگاه فعل کوچک در نظر گرفته شده است، مانند دو جمله زیر:

۵) الف. دوستم فریب خورد.

ب. علی دوستم را فریب داد.

در این دو جمله، تناوب دو فعل آغازی و سببی توسط دو فعل سبک خوردن و دادن بیان شده است که در جایگاه فعل کوچک قرار دارند. حال این پرسش پیش می‌آید که فعل کوچک جایگاه *ند* سببی است یا فعل سبکی؟ این مسئله، به‌ویژه هنگامی مشکل‌آفرین می‌شود که ساختار فعلی، هم فعل سبکی را دربر داشته باشد و هم تکواژ سببی، مانند آنچه در جمله (۶ ب)، به‌مثابه همتای سببی جمله (۶ الف)،



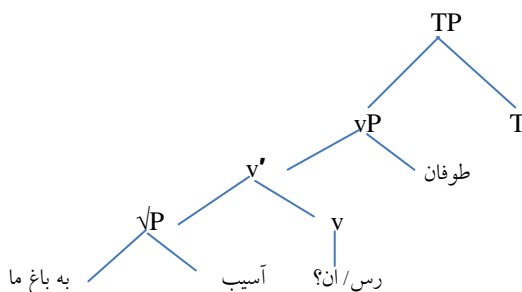
دیده می‌شود:

۶) الف. به باغ ما آسیب رسید.

ب. طوفان به باغ ما آسیب رساند.

رس فعل سبک است و /ان تکواژ سببی. حال این پرسش پیش می‌آید که جایگاه این دو هسته نقشی کجاست؟

(۷)



برای تبیین این دسته از ساخت‌های سببی مرکب، دو گزینه پیش رو است: یا باید وند سببی را به‌منزله هسته فعل کوچک فرض کرد و در عوض، فعل سبک را در جایگاه دیگری دانست و یا فرض شود که فعل سبک، همان فعل کوچک است و وند سببی در گره نحوی دیگری جای دارد.

در رایج‌ترین تحلیل‌ها، فرافکنی که هم‌زمان میزبان موضوع بیرونی و تکواژ سببی است، فعل کوچک است. از آنجا که فعل اصلی یا فعل سبک از درون گروه فعلی کوچک خارج می‌شوند و به هسته گروه زمان ارتقا می‌یابند (درزی و انوشه، ۱۳۸۹)، فعل سبک رس در مسیر حرکت خود به T، وند /ان را در V جذب می‌کند. از منظر معنایی هم می‌توان استنباط کرد که وند /ان در هسته فعل کوچک قرار دارد. این وند، در معنای سبب‌شدن، گویی فعل سبکی است که در کنار فعل واژگانی می‌نشیند و باعث آسیب رسیدن می‌شود. به‌گفته روشن‌تر، ساخت نامفعولی به باغ ما آسیب رسید در حضور وند /ان، به جمله طوفان باعث شد به باغ ما آسیب برسد تبدیل می‌شود.

افزون بر این، چنان‌چه بخواهیم ساخت‌های سببی مرکب را به‌صورت مجهول<sup>۳۳</sup> به‌کار ببریم، با چنین جملائی مواجه خواهیم شد:

۳۳- به‌طور کلی، ساخت‌های موسوم به مجهول بیشتر در گونه نوشتاری به‌کار می‌روند و در گونه گفتاری، کاربرد کمتری دارند؛ برای مثال، گویشور فارسی‌زبان به‌جای جمله مجهول ماشینم دزدیده شد، جمله ماشینم را دزدیدند به‌کار می‌برد.

۸) آنجا که هنر به ابتدال کشانده می‌شود.

۹) کلیات برنامه‌های پیشنهادی به اطلاع اعضای کمیته رسانده شد.

۱۰) هشت انتحارگر داعشی به هلاکت رسانده شدند.

اگر کشاندن و رساندن نمونه‌های فعل سبکی باشند که در جایگاه فعل کوچک قرار دارند، این پرسش پیش می‌آید که جایگاه شدن کجاست؟ این مسئله در صورت‌های موسوم به مجهول از تمام فعل‌های مرکبی که دارای فعل سبکی غیر از کردن هستند، چالش برانگیز است. همان‌گونه که قبلاً دیده شد، هسته فعل کوچک VDO و VBECOME می‌تواند تناوب‌هایی مانند گذرا و ناگذرا را ایجاد کند. این تناوب در زبان فارسی، خود را به صورت فعل سبک کردن و شدن نشان می‌دهد که در جایگاه فعل کوچک قرار دارد، مانند مریض کردن / مریض شدن، باز کردن / باز شدن؛ اما چنانچه در ساخت فعل گذرا، فعل سبکی غیر از کردن حضور داشته باشد، خواهیم دید که در ساخت نامفعولی این دسته از فعل‌ها، افزون بر فعل شدن، فعل سبکی که در ساخت گذرا حضور داشته است نیز، به صورت اسم مفعول باقی می‌ماند. نمونه‌های دیگری از این فعل‌های مرکب در جمله‌های زیر دیده می‌شود:

۱۱) حقیقت نشان داده شد.

۱۲) اردوگاه به آتش کشیده شد.

۱۳) اخبار انتشار داده شد.

۱۴) ظاهراً تمام لباس‌ها اتو زده شده است.

با مطالعه در این ساخت‌ها، این پرسش پیش می‌آید که شدن و افعال سبکی چون دادن، زدن و کشیدن هر کدام در چه جایگاهی قرار دارند.

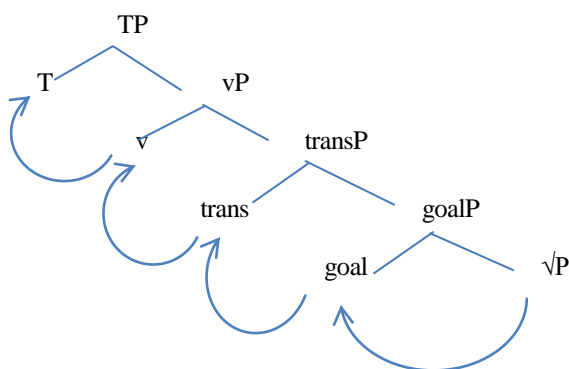
با فرض اینکه زبان فارسی فرافکنی بیشینه مجهول ندارد و فعل شدن در صورت‌های مجهول، فعل کمکی نیست، بلکه فعل سبکی است که با همراهی عنصر غیر فعلی پیش از خود، یک محمول مرکب نامفعولی ساخته است و به بیرون از گروه فعلی کوچک حرکت کرده و به هسته تصریف منضم می‌شود (انوشه، ۱۳۹۴: ۱۰)، به جایگاه نقشی دیگری نیز نیازمندیم تا بتوانیم فعل سبک را در آن جای دهیم.

ساخت‌های سببی فعل‌های پیشوندی نیز شاهد دیگری است که نشان می‌دهد که هسته سببی‌ساز متفاوت از فعل سبک است. در فعل‌های مرکبی مانند از پا در آمدن، برگشتن، بازگشتن، از سرگذشتن نیز ریشه  $\sqrt{در}$ ،  $\sqrt{بر}$ ،  $\sqrt{سر}$  با فعل سبک آمدن، گشتن ادغام<sup>۳۴</sup> و تبدیل به فعل می‌شود. در ساخت‌های سببی

این دسته از فعل‌های پیشوندی، یعنی از پا درآوردن، برگرداندن، بازگرداندن، از سرگذراندن هم فعل سبک حضور دارد و هم وند سببی. طرح دولایه‌ای گروه فعلی قادر به تبیین این دسته از فعل‌های پیشوندی نیست، چراکه نمی‌تواند حضور وند سببی همراه با فعل سبک را با استفاده از یک گره نقشی نشان دهد.

صدیقی<sup>۳۵</sup> (۲۰۰۹: ۷۶) در چارچوب نظریه صرف توزیعی<sup>۳۶</sup>، هسته گذر (trans) را برای معرفی مفعول و هسته هدف (goal) را برای معرفی بهره‌ور یا هدف معرفی می‌کند. ریشه واژگانی پس از ادغام با هسته فعل ساز فعل کوچک، باید به هسته‌های نقشی هدف و گذر منضم شود تا بتواند موضوع‌هایی مانند کنش رو و هدف را دریافت کند. گره حاصل سپس، به هسته زمان می‌رود تا بتواند مشخصه‌های شخص و شمار را دریافت کند:

(۱۵)



(۱۶) علی بسته‌ها را به دانشگاه ارسال کرد.

حال اگر در جمله‌ای، مانند جمله بالا، فعل مرکب داشته باشیم، فعل سبک در جایگاه فعل کوچک، باید بتواند پس از ادغام و انضمام با هسته‌های گذر و هدف، به سمت هسته زمان حرکت کرده و عناصر نقش‌نمایی مانند شخص و شمار را جذب کند. مکانیسم حرکت هسته مستلزم این است که فعل سبک جایگاهی پایین‌تر از هسته‌های گذر و هدف را پر کرده باشد.

چنان‌که دیده شد، فعل سبک نمونه فعل کوچک بوده، از نظر ساختوازی، فعل ساز است و از نظر نحوی، پایین‌تر از موضوع‌های درونی. اکنون باید دید که از نظر تنایی، چه سهمی را در ساخت گروه فعلی بر عهده دارد. کردن و شدن، گرچه نمونه فعل سبک با دو چاشنی مختلف‌اند، اما همیشه

تناوب‌های سببی / آغازی نمی‌سازند؛ برای مثال، نرمش‌کردن، فوت‌کردن و نشست‌کردن، فعل سببی نیستند؛ \*نرم‌شدن و \*نشست‌شدن صورت‌هایی بدساختند و فوت‌شدن، همتای ناگذرای فوت‌کردن محسوب نمی‌شود. کریمی‌دوستان (۲۰۰۵: ۶) فعل سبک را دسته‌ای از فعل‌ها می‌داند که دارای قدرت تنابیی کافی نیستند تا بتوانند همچون یک محمول مستقل عمل کنند. وی نشان می‌دهد که فعل سبک کردن، همراه با دو عنصر غیر فعلی ناکنایی و نامفعولی می‌تواند به ترتیب دو فعل ناکنایی و نامفعولی نرمش‌کردن و فوت‌کردن بسازد. پس آنچه کنش‌گری را تعیین می‌کند، فعل سبک نیست، بلکه عنصر غیر فعلی است. در واقع، مادامی که موضوع بیرونی را وابسته به فعل کوچک می‌دانیم، این پیش‌فرض را در نظر گرفته ایم که فعل سبک نیز قادر به معرفی موضوع بیرونی است؛ چراکه فعل سبک، نمونه فعل کوچک است. فعل‌های سبک گرچه فعل کوچکی محسوب می‌شوند که می‌توانند تناوب‌های فعلی مختلفی ایجاد کنند، اما اول اینکه همان‌گونه که مشاهده شد، همیشه این حکم درباره آن‌ها صادق نیست و دوم اینکه قادر به معرفی موضوع بیرونی نیستند؛ چون اساساً فعل کوچک فاقد ساخت تنابیی است. نسبت‌دادن موضوع بیرونی به فعل کوچک تعمیم نابه‌جایی است که با ماهیت فعل سبک مغایرت دارد. هارلی (۲۰۱۳: ۵۲) نشان می‌دهد که در زبان هیاکي، در ساخت مجهول از صورت‌های سببی، موضوع سبب‌ساز حضور ندارد، اما ساختواژه سببی (با حضور تکواژ سببی) بدون تغییر باقی می‌ماند:

17) Ume Yoeme(m) hi'ibwa-tua-wa  
The-pl man(pl) eat-cause-pass  
The men are being fed. (The men are being made to eat).

این دسته از داده‌ها وی را به این نتیجه می‌رساند که موضوع بیرونی سبب‌ساز و وند سببی، الزاماً در یک فرافکن حضور ندارند. داده‌های فارسی نیز مؤید این فرضیه است:

۱۸) این شربت از قبل جوشانده شده است.

۱۹) نمای نگارخانه وصال پوشانده شد.

۲۰) به بچه‌ها فهمانده شد که باید زود بخوابند.

۲۱) آیا صادرات نفت ایران به صفر رسانده خواهد شد؟

در این جمله‌های سببی، سبب‌ساز غایب است، اما وند سببی ساز /ان در ساخت حضور دارد. اگر تکواژ سببی در جایگاه فعل کوچکی باشد که موضوع بیرونی را معرفی می‌کند، چگونه ممکن است که موضوع بیرونی در ساخت حضور نداشته باشد، اما ساختواژه سببی در ساخت نحوی موجود باشد؟ اگر

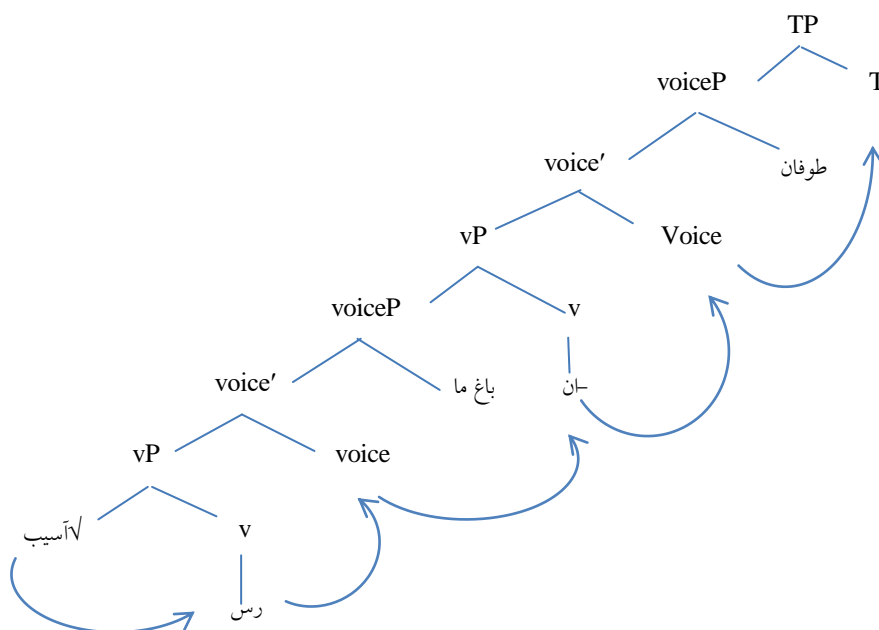
در سببی‌های زایا قائل به حضور فرافکن سببی نشویم و وند سببی را در هسته گروه فعل کوچک قرار دهیم، آنگاه در این دسته از ساخت‌ها، با نوعی تعارض روبه‌رو می‌شویم. در این اشتقاق‌ها، هسته فعل کوچک از نوع نامفعولی است و نمی‌تواند حالت مفعولی بدهد. برای حل این تعارض، ناگزیریم میان گروه فعل کوچک و گروه سببی تمایز قائل شویم.

به اعتقاد هارلی (۲۰۱۷)، موضوع بیرونی سبب‌ساز نه در شاخص فرافکنی که هسته سببی دارد، بلکه در شاخص فرافکن دیگری به نام جهت معرفی می‌شود. هارلی در بندهای سببی به دو گروه جهت قائل است. سبب‌پذیر در شاخص گروه جهت درونی قرار دارد و سبب‌ساز در شاخص گروه جهت بیرونی. وی تکواژ سببی را هسته فعل کوچکی در نظر می‌گیرد که گروه جهت درونی را به‌مثابه متمم خود انتخاب کرده است. در واقع، پیش از اینکه موضوع بیرونی معرفی شود، ساختواژه فعلی همراه با موضوع‌های درونی تشکیل می‌شود.

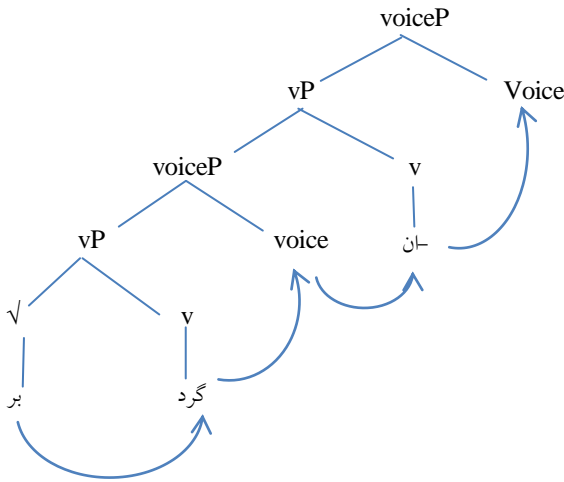
براساس این، برای آن دسته از ساخت‌هایی که طرح دولایه‌ای قادر به تبیینشان نبود، چنین نمودارهایی را می‌توان ترسیم کرد:

(۲۲) طوفان به باغ ما آسیب رساند.

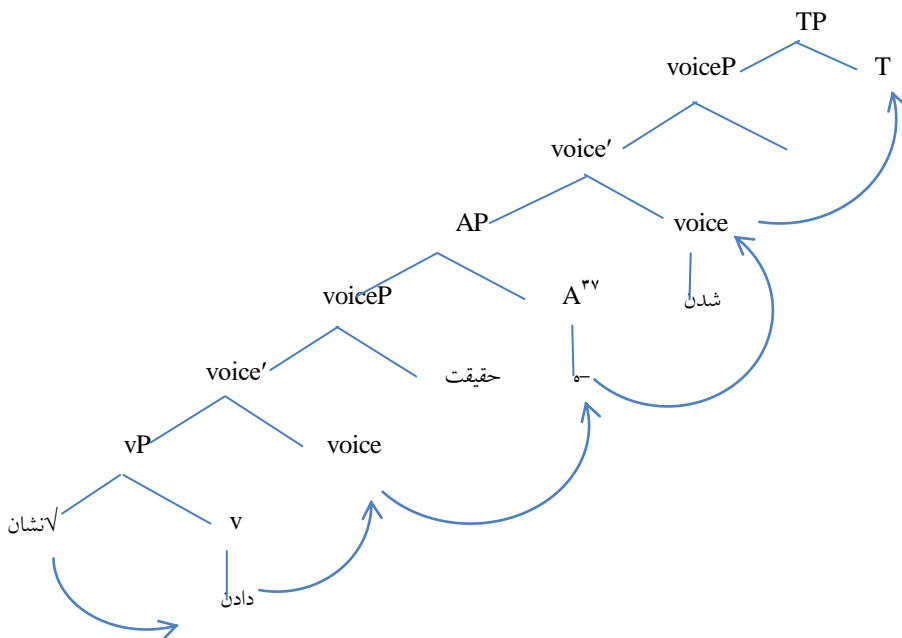
(۲۳)



(۲۴) برگرداندن



(۲۶) حقیقت نشان داده شد.



به گفته کی<sup>۳۸</sup> (۲۰۱۳) نیز سببی‌های زایا هسته نقش‌نمای کاملاً متمایزی را به خود اختصاص می‌دهند که با هسته فعلی کوچک متفاوت است؛ از این رو، برخلاف نظر هارلی (۲۰۱۷) زبان فارسی را

۳۷- A هسته نقشی صفت‌ساز است و هسته گروه صفتی (AP) محسوب می‌شود.

باید در شمار زبان‌های جهت‌شکاف قرار داد که در آن هسته فعلی کوچک و هسته جهت، مستقل و متفاوت از یکدیگرند. کریمی‌دوستان (۲۰۱۵) نیز به پیروی از هارلی (۲۰۱۳) گروه فعلی را متشکل از سه لایه گروه جهت، گروه فعلی کوچک و گروه واژگانی می‌داند. به اعتقاد وی، گروه جهت، که بر فراز گروه فعلی کوچک قرار دارد، دارای مشخصه [+معلوم<sup>۳۹</sup>] است. شاخص گروه جهت با مشخصه [+معلوم]، جایگاه موضوع بیرونی در ساخت‌های گذرا، ناگذرا و سببی و شاخص گروه جهت با مشخصه [-معلوم]، جایگاه موضوع درونی در ساخت‌های مجهول، نامفعولی و میانی است. تبیین ارتباط انواع موضوع‌های بیرونی و هسته‌های مختلف جهت در ساخت‌های فعلی در زبان فارسی، نیازمند بررسی بیشتر است و در این گفتار نمی‌گنجد.

## ۵- نتیجه‌گیری

مطالعه ساخت‌های سببی در زبان فارسی، مؤید فرضیه گروه فعل کوچک شکافته است. ساختار گروه فعلی متشکل از گروه واژگانی، گروه جهت و گروه فعلی کوچک است. هسته واژگانی، ریشه‌ای بی‌مقوله است. فعل کوچک هسته‌ای است که نند سببی را معرفی می‌کند و در نقش خود به‌مثابه هسته فعل‌ساز، فعل سببی می‌سازد. هسته جهت از هسته فعل کوچک متفاوت بوده و مسئول معرفی موضوع بیرونی است. از این رو، می‌توان فارسی را زبانی جهت‌شکاف در نظر گرفت. افزون بر این، ساخت سببی شامل دو گروه جهت است. در شاخص گروه جهت درونی، سبب‌پذیر قرار دارد و در شاخص گروه جهت بیرونی، سبب‌ساز. وجود هسته جهت و مشخصه‌های مختلف آن، می‌تواند جایگاه موضوع‌ها را در انواع ساخت‌های فعلی، اعم از ساخت‌های گذرا، ناگذرا، سببی، نامفعولی و مجهول تبیین کند.

## منابع

- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۷). تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی بر پایه برنامه کمیته‌گرا. *زبان و زبان‌شناسی*، ۴ (۷)، ۱-۲۵.
- انوشه، مزدک (۱۳۹۴). مسئله مجهول در زبان فارسی: رویکردی کمیته‌گرا. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۶ (۱)، ۱-۲۰.
- درزی، علی و انوشه، مزدک (۱۳۸۹). حرکت فعل اصلی در فارسی: رویکردی کمیته‌گرا. *زبان‌پژوهی*، ۲ (۳)، صص. ۲۱-۵۵.

- Baker, M.C. (1988). *Incorporation*. Chicago: CUP.
- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge: MIT Press.
- Folli, R. & H. Harley (2005). Flavors of v: Consuming Results in Italian and English. In: R. Slabakova & P. Kempchinsky (Eds.), *Aspectual Inquiries*, (pp. 95-120). Dordrecht: Kluwer.
- & S. Karimi (2005). Determinants of Event Type in Persian Complex Predicates. *Lingua*, 115 (10), 1365-1401.
- Hale, K. & S. J. Keyser (2002). *Prolegomenon to a theory of argument structure*. Cambridge: MIT Press.
- Harley, H. (2009). The Morphology of Nominalizations and the Syntax of vP. In: M. Rathert, & A. Giannakidou (Eds.), *Quantification, Definiteness, and Nominalization*, (pp. 320-342). Oxford: Oxford University Press.
- (2013). External Arguments and the Mirror Principle: On the Distinctness of Voice and v. *lingua*, 125, 34-57.
- (2017). The “Bundling” Hypothesis and the Disparate Functions of Little v. In: R. D’Alessandro, I. Franco & A. J. Gallego (Eds.), *The Verbal Domain*, (pp. 3-28) Oxford: Oxford University Press.
- Karimi-Doostan, Gh. (2005). Light Verbs and Structural Case. *Lingua*, 115 (3), 1737-1756.
- (2013). *Voice and v: Evidence from Kurdish and Persian*, Little v Conference, Leiden, <https://linguistlist.org/issues/24/24-3089>.
- Key, G. (2013). *The Morphosyntax of Turkish Causative Construction*. Ph.D. Dissertation, Department of Linguistics. University of Arizona.
- Kratzer, A. (1996). Severing the External Argument from its Verb. In: J. Rooryck & L. Zaring (Eds.), *Phrase Structure, the Lexicon*, (pp. 109-137). Dordrecht: Springer.
- Megerdooonian, K. (2001). Event Structure and Complex Predicates in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1), 97-125.
- Pylkkänen, L. (2002). *Introducing Arguments*. Ph.D. Dissertation, Department of Linguistics, Massachusetts Institute of Technology.
- (2008). *Introducing Arguments*. Cambridge: MIT Press.
- Siddiqi, D. (2009). *Syntax within the Word: Economy, Allomorphy and Argument Selection in Distributed Morphology*, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Vahedi-Langrudi, M. (1996). *The Syntax, Semantics and Argument Structure of Complex Predicates in modern Farsi*. Ph.D. Dissertation, Department of Linguistics, University of Ottawa.
- Wood, J. & A. Marantz, (2017). The Interpretation of External Arguments. In: R. D’Alessandro, I. Franco & Á. Gallego (Eds.), *The Verbal Domain*. (pp. 255-298). Oxford: Oxford University Press.